



یادآوری

حمایت‌های اجتماعی از مصیبت‌دیدگان جهان اسلام و معضل مقطعی بودن

الحاق میانمار و سومالی به پاکستان!

محمدحسین جمالزاده

مردم ایران صاحب نقشی کلیدی در مناسبات جهانی‌اند. بارزترین نمونه آن، بازتاب ایستادگی مردم ایران بر حمایت از آرمان فلسطین در عرصه بین‌المللی است. به‌نحوی که هر سال در روز قدس هزاران نفر در مناطق مختلف دنیا از لندن گرفته تا مومبای، با حضور در خیابان‌ها حمایت از مردم فلسطین را آفریاد می‌زنند. حمایت از مسلمانان سیل‌زده پاکستان، حمایت از مسلمانان قحطی‌زده سومالی، حمایت از مسلمانان بوسنی و هرزگوین، حمایت از شیعیان در نقاط مختلف همچون پاراچنار و صعده و چین، حمایت از مردم جنوب لبنان، حمایت از مسلمانان میانمار و ... همه و همه نشان می‌دهد که مردم ایران همواره حمایت مادی و بالاتر از آن حمایت معنوی خود را از مسلمانان جهان دریغ نکرده‌اند. با این وجود، چرا اغلب این حمایت‌ها جنبه واکنشی مقطعی داشته و تبدیل به یک ارتباط مستمر - حتی در سطح خبری یا عاطفی - نمی‌شود؟ در این میان، رسانه‌ها و سخنرانان و سازمان‌های قوی‌تر مردم‌نهاد برای تثبیت و بهینه‌سازی حمایت‌های بی‌دریغ مردمی چه باید بکنند؟ حمایت‌هایی که اگر بهتر و بیشتر مدیریت شوند، هم به ترویج بیشتر این‌گور در سایر کشورها دامن زده و هم می‌توانند تأثیرات واقعی‌تری بر مردم آسیب‌دیده جهان اسلام را دنبال کنند.

1- خبررسانی کافی نیست

داده نشده است، حتی اگر مواضع و تحلیل‌های بهتری داشته‌باشند.

انتشار چند خبر درباره کشتار مسلمانان میانمار یا برگزاری راهپیمایی‌ها و ... حداقل کاری است که از رسانه‌ها بر می‌آید. اما رسانه توانایی دارد هم تصویر دقیق‌تر و هم تبیین نزدیک‌تر و عمقی‌تری از وقایع نشان دهد. اولین مشکل مردم سومالی این است که تعداد زیادی از مسلمانان حتی نمی‌دانند این کشور کجاست و تا کنون بر آن چه گذشته است. لحن صرفاً سیاسی و صدپاره بخش‌های خبری نیز از ارائه سیمایی شفاف از جوامع دیگر عاجز است. مستندهای گزارشی و تحلیلی جذاب و متنوع یا گزارش‌های میدانی دقیق و متکی به یک مردم‌شناسی دقیق نیز قالب دیگری است که به ندرت و به‌مثابه یک استثنا در رسانه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در عوض، آنچه زیاد دیده‌ایم یا خوانده‌ایم، اخبار و گزارش‌های سطحی است. و از رسانه سطحی، تأثیرات اجتماعی عمیق بر نخواهد آمد.

3- واکنش کافی نیست

بر خورد سلبی و تهدیدنگرانه با مسائل جهان اسلام بُعدی دیگر از انفعال رسانه‌های است. می‌توان پیش از وقوع بحران‌ها یا حداقل پیش از بحرانی‌تر شدن و حادث‌تر شدن یک بحران، اوضاع جهانی را رصد و منعکس کرد. و اساساً باید فارغ از بحران‌های خاص، ظرفیت‌های نهفته خبری و ارتباطی و فکری و فرهنگی در حوزه جهانی را با رویکردی فعالانه پیگیری کرد. این‌گونه اگر واکنشی نیز لازم باشد، هم به‌موقع‌تر و هم آگاهانه‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

2- انعکاس خارجی کافی نیست

در سال 1389 در جریان کمک به سیل‌زدگان پاکستان اتفاقات جالبی رخ داد که هیچ‌گاه دوربین صدا و سیما آن‌ها را ندید. مردم بم 100 تن خرما برای مسلمانان قحطی‌زده ارسال کردند، تعدادی از زنان سبزوآر طلاهای خود را بخشیدند و ... در رسانه‌ها، حتی تا به حال تصویری از پشت صحنه مردمی راهپیمایی‌های داخلی نیز ندیده‌ایم. رسانه تنها آن بخشی از حضور مردم را انعکاس داده‌است که همه دیده‌اند و دوست و دشمن در دسترسی به آن لایه، توان یکسانی دارند. انعکاس صحیح ابعاد حمایت‌های مردمی اثرات مختلفی دارد. از «تقویت انگیزه حمایت در دیگران» گرفته تا «معرفی الگوهای مردمی» و «دلگرمی نیازمندان مورد حمایت». یکی از دلایل این غفلت، پایتخت‌زدگی رسانه‌هاست. اظهار نظر مردم روستای رومه نهبندان تا به حال در رسانه ملی نشان

6- معضل بازتاب

تأثیرات راهپیمایی‌های روز قدس در ایران و جهان چیست؟ کمک‌های ارسالی مردم به کجا می‌رود و چگونه توزیع می‌شود؟ و ... چرا هیچ مستندی یا گزارشی از این موارد ندیده‌ایم؟ بازتاب کمک‌های مادی و معنوی نیز علاوه بر انگیزه‌بخشی به مردم، می‌تواند به خلق ایده‌های جدیدی در مخاطبان برای انتخاب کیفیت کمک‌رسانی منجر شود.

7- معضل زبان

تا کنون بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و نامه‌های متعددی از سوی مجموعه‌های مختلف دانشجویی در رابطه با مصائب جهان اسلام - از اسلام‌ستیزی در کشور آذربایجان تا مسائل بحرین و ... - منتشر شده است، اما کدامیک از این نامه و بیانیه‌ها به راستی رسانه‌ای شده است و توانسته است در یک مقیاس واقعی از فشار وارده بر مسلمانان بکاهد؟ یکی از بهترین گزینه‌های عملی، ارتباط مستمر و حساب‌شده با سازمان‌های رسمی و مردمی ملی و بین‌المللی برای انعکاس بهینه مطالبات و ایجاد و پیگیری حرکت‌های گسترده‌تر است. البته اگر معضل ضعف زبان‌های خارجی بگذارد.

4- توقع ویژه

گاه مسئولان دولتی یا گروه‌های مردمی و دانشجویی برای ورود به موضوعات مختلف، در انتظار شنیدن نظر یا عکس‌العمل رهبر انقلاب می‌مانند. انتظاری که در هر جایی معنادار نیست. برای مثال تا قبل از بیانات مقام معظم رهبری درباره کشتار مسلمانان میانمار نه تنها صداوسیما پوشش درستی از اخبار این وقایع نداشت، گروه‌های مردمی و تشکل‌های دانشجویی هم منفعل بودند. اما به محض اینکه رهبر انقلاب در سخنرانی خود در 31 تیر 91 فجایع میانمار را گوشزد کرد، موضع جدی گرفته شد. این در حالی است که دقیقاً چنین موضعی در سال 1371 نیز از سوی ایشان درباره میانمار اعلام شده بود.

5- جبران در فضای مجازی

بسیاری از فعالان مردمی و رسانه‌ای سعی می‌کنند کوتاهی‌های عمومی و ساختاری را با حرکت‌های خودجوش در فضای مجازی جبران کنند. این‌گونه واکنش‌ها بیشتر به شکل «گروه‌های فعال حمایتی» از سوی فعالان شبکه‌های اجتماعی و بلاگرها، یا

و آخر این که توان‌های مردمی در جهان اسلام دردمندی و دغدغه‌مندی با ارزشی را به عنوان پشتوانه با خود همراه دارد که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند علاوه بر جلوگیری از مسائل و مشکلات به سمت به‌کارگیری نیروهای نهفته جهان اسلام و احیای هویت جهانی ایرانیان دردمند حرکت کند.

در شماره بعد بخوانید:

مروری بر وضعیت زلزله‌زدگان آذربایجان و خراسان